

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

درس سی ام- یان بکر (Jan Becker)

در قهوه خانه گرون هایده یک مرتبه مرد جوانی ظاهر می شود که پاولا را با خود به مولنز (Möllensee)، خط پایانی مسابقه اتومبیلرانی، می برد. این مرد غریبه در باره این مسابقه عجیب و غریب چه می داند و چه چیز او را به رادیو "D" مربوط می کند؟

در حالی که اتومبیل فیلیپ روشن نمی شود، یان بکر، که او را پاولا چند دقیقه پیش در کافه دیده بود، به صورت غیر منتظره برای کمک می آید. فیلیپ در گرون هایده می ماند ولی پاولا با یان به سمت مولنز حرکت می کند. پاولا در طول مسیر متوجه یک سری اطلاعاتی در باره این مرد غریبه می شود. این مرد را او از یک جایی می شناسد...

حتی آقای پروفیسور هم به زمان گذشته بر می گردد و فرم گذشته فعلهای کمکی "باید" (müssen) و "خواستن" (wollen) را بررسی می کند.

Manuskript der Folge 30

مجری:

شنوندگان گرامی، درود بر شما. شما را به شنیدن بخش سی ام از سری برنامه آموزش زبان آلمانی رادیو D دعوت می کنم. فیلیپ و پاولا در منطقه کوچک گرون هایده هستند. در حالیکه فیلیپ در کافه مشغول شرط بندی است، پاولا پشت میز کناری تک و تنها نشسته و حوصله اش سر رفته است. مرد جوانی مایل است کنار پاولا بنشیند: واکنش پاولا چیست؟ آیا اسم این مرد را متوجه می شوید؟

Szene 1: In der Kneipe in Grünheide

Philipp

Top, die Wette gilt!

Jan

N' Abend.

Mann 1

Hallo, Jan. Komm mal her!

Jan

Gern, aber später.

Entschuldigung, ist hier noch frei?

Paula

Ja, aber bei den Männern da ist auch noch viel Platz.

Jan

Ich weiß, aber die kenne ich schon alle.

Paula

Und mich kennen Sie nicht.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Jan

Richtig. **Noch** nicht!
Also – darf ich?

Paula

Na okay.

Jan

Sie sind fremd hier, stimmt's?

Eulalia

Fremd ist der Fremde nur in der Fremde.

Jan

Was war denn das für eine Stimme?

Paula

Keine Ahnung. Ich habe nichts gehört.

Jan

Komisch. Also, ich bin Jan. Jan Becker.

مجری:

اسم آن مرد را متوجه شدید؟ اسم او یان بکر است.

Jan

Also, ich bin Jan. Jan Becker.

مجری:

آیا این اسم به نظرتان آشنا نمی‌آید؟ یان بکر کسی است که یک ای-میل به دفتر رادیو D فرستاده بود. اما ما از مضمون این نامه مطلع نیستیم. یان از پاولا می‌پرسد که آیا صندلی کنار او خالی است.

Jan

Entschuldigung, ist hier noch frei?

مجری:

پاولا برخورد سرد از خود نشان می‌دهد و به یان گوشزد می‌کند که پشت میز کناری، یعنی آنجا که مردان روستا گرد هم آمده‌اند، جای خالی زیاد است.

Paula

Ja, aber bei den Männern da ist auch noch viel Platz.

مجری:

و البته این چیزی است که یان نیز خود می‌داند، اما او مایل است که کنار پاولا بنشیند. او پرسش خود را از پاولا تکرار می‌کند و پاولا این بار کوتاه می‌آید.

Jan

Also – darf ich?

Paula

Na okay.

مجری:

یان به پاولا می‌گوید که او در این ده FREMD یعنی غریبه و بیگانه است.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Jan

Sie sind fremd hier, stimmt's?

مجری:

نه من و نه پاولا هیچکدام نمی دانیم که یکبارہ اوایلایا از کجا سر و کله‌اش پیدا شده است. چنین چیزی تنها از اوایلایا ساخته است: سر زده و به گونه‌ای غیرمنتظره سر و کله‌اش پیدا می‌شود و جمله قصاری می‌گوید، مثل همین تذکری که در همین رابطه می‌دهد: که بیگانه، تنها در سرزمینی بیگانه، بیگانه است.

Eulalia

Fremd ist der Fremde nur in der Fremde.

مجری:

تازه همین جمله قصار را خودش نگفته، بلکه متعلق به یک کم‌دین است. بیان حیرت زده می‌پرسد که این صدای کیست، اما پاولا نقش یک فرد نامطلع را بازی می‌کند.

Jan

Was war denn das für eine Stimme?

Paula

Keine Ahnung, Ich habe nichts gehört.

مجری:

یان خود را معرفی می‌کند. اینکه پاولا و یان درباره چه چیزهایی صحبت کردند و واکنش فیلیپ نسبت به آشنایی پاولا و یان چه بوده، موضوعاتی‌اند که من از آنها بی‌اطلاعم. من تنها می‌دانم که مسابقه اتومبیلرانی بین پورشه و ترابی فردا صبح برگزار می‌شود و این موضوع را فیلیپ و پاولا نیز می‌دانند. نقطه شروع مسابقه در روستای گرون‌هایده است و نقطه پایان آن در محله **MÖLLENSEE**. فیلیپ بر آن است که با ماشین خود به این منطقه برود. حال بشنوید که فردا چگونه آغاز می‌شود.

Paula

Hallo, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp

Willkommen ...

Paula

... bei Radio D.

Philipp

Radio D ...

Paula

... die Reportage, Teil 3.

مجری:

فیلیپ، چه اتفاقی افتاده است؟

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Szene 2: Beim Start, draußen auf der Straße in Grünheide

Philipp

Los geht's Paula. Du bleibst hier und ich fahre nach Möllensee. Dort ist das Ziel.
So ein Mist. Was ist nur los?

Jan

Vielleicht die Batterie?

Guten Morgen.

Paula

Ach ne, Sie schon wieder?

Jan

Vielleicht kann ich helfen?
Sie wollten doch nach Möllensee? Kommen Sie, fahren Sie mit mir!

Paula

Hhm. Warum eigentlich nicht?
Also Philipp, **du** bleibst hier und **ich** fahre nach Möllensee. Tschüüüüüüüüüüüü!

Philipp

Aber Paula! Paula!

مجری:

شما حتما صدای هن هن کردن موتور ماشین فیلیپ را شنیدید. ماشین فیلیپ روشن نمی‌شود. و آن هم درست پس از این که فیلیپ کار تحقیق و گزارش‌دهی پیرامون مسابقه را بین خودش و پاولا تقسیم کرده است. قرار بود پاولا در گرون‌هایده بماند و فیلیپ به مولنزی، یعنی به نقطه پایان مسابقه برود.

Philipp

Los geht's Paula. Du bleibst hier und ich fahre nach Möllensee. Dort ist das Ziel.

مجری:

یان به سوی آنها می‌آید و حدس می‌زند که باتری ماشین علت روشن نشدن آن است.

Jan

Vielleicht die Batterie?

مجری:

پاولا سلام یان را خیلی دوستانه پاسخ نمی‌گوید، ولی این موضوع مانع از آن نمی‌شود که یان از پیشنهاد کمک خود منصرف شود.

Jan

Vielleicht kann ich Ihnen helfen?

مجری:

یان مدعی می‌شود که پاولا مایل بوده به مولنزی برود و از این رو او می‌تواند پاولا را با خود ببرد.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Jan

Sie wollten doch nach Möllensee? Kommen Sie, fahren Sie mit mir!

مجری:

پاولا لحظه‌ای درنگ می‌کند و سرانجام تصمیم می‌گیرد که با یان به مولنزی برود و این تصمیم باعث شگفتی فیلیپ می‌شود. در حین راه، پاولا از یان چند سؤال می‌کند، ناگزیر به انجام یک تماس تلفنی با فیلیپ و کومپو می‌شود و فهمیدن موضوعی او را اندکی غافلگیر می‌کند. با شنیدن چه کلمه کلیدی یان متوجه حرفه و کار پاولا می‌شود؟ توجه کنید که او چگونه در برابر این موضوع واکنش نشان می‌دهد؟

Szene 3: Unterwegs im offenen Käfer von Grünheide nach Möllensee

Paula

Ich bin fremd hier, das haben Sie ja schon gemerkt. Und Sie, sind Sie von hier?

Jan

Nicht direkt. Ich bin aus Berlin – genauer: aus Ostberlin. Mein Vater musste dahin, da hat er Arbeit bekommen. Aber meine Großeltern leben noch hier.

Paula

Entschuldigung.

Ja, Hallo?

Compu

Wir warten.

Paula

Hallo Compu.

Compu

Wo bleibt die Reportage?

Paula

Alles okay, Compu

Compu

Was ist los?

Paula

Die Reportage kommt bald. Bis bald, tschüs!

Jan

Reportage? Sind Sie Journalistin?

Paula

Ja, einen Moment noch. Ich muss meinen Kollegen anrufen. Entschuldigung.
Hallo, Philipp. Alles in Ordnung? Kannst du den Start aufnehmen? Ja? Super!
Bis bald, tschüs!

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Jan

Reportage? Sind Sie Journalistin?

Paula

Ja, ich bin Redakteurin – bei Radio D in Berlin.

Jan

Bei Radio D?

Also ich bin ja auch ... vielleicht – eventuell ...

also ich bin hoffentlich bald Praktikant bei Radio D.

مجری:

این که یان این گونه به لکنت زبان افتاده، موضوعی نیست که باعث تعجب و حیرت من شود. فراموش نباید کرد که او با همکار آینده‌اش، یا شاید حتی با رییس آینده‌اش صحبت می‌کند. و این چیزی است که او به گونه‌ای تصادفی و غیرمنتظره متوجه می‌شود:

پاولا کومیو را که بی‌صبرانه منتظر دریافت گزارش پیرامون این مسابقه اتومبیلرانی است، آرام کرده و می‌گوید که او این رپورتاژ را به زودی دریافت خواهد کرد. با شنیدن کلمه **REPORTAGE** یان فوراً متوجه می‌شود که پاولا خبرنگار است.

Paula

Alles okay, Compu. Die Reportage kommt bald. Bis bald, tschüs!

Jan

Reportage? Sind Sie Journalistin?

مجری:

و پاولا به موضوع دقت بیشتری می‌بخشد و اظهار می‌کند که او خبرنگار رادیو D است و این چیزی است که شما شنوندگان عزیز به خوبی از آن مطلع هستید، اما یان نمی‌دانشته است.

و یان چنان دچار حیرت می‌شود که به لکنت زبان می‌افتد و چند قید را کنار هم ردیف می‌کند- شاید، احتمالاً و به امید آنکه،... یان در واقع می‌خواهد بگوید که او احتمالاً **PRAKTIKANT** یعنی کارآموز جدید رادیو D است.

Jan

Bei Radio D?

Also ich bin ja auch ... vielleicht – eventuell ...

Also ich bin hoffentlich bald Praktikant bei

Radio D.

مجری:

ما یک بار دیگر به گفت‌وگوی بین آنها به گونه‌ای دقیق‌تر گوش می‌کنیم. یان توضیح می‌دهد که او از برلین، و یا اگر دقیق‌تر گفته باشیم از برلین شرقی می‌آید. پدرش به علت یافتن کار، ناگزیر به نقل مکان به برلین شده و از همین رو آنها ساکن برلین شرقی شده‌اند.

Jan

Ich bin aus Berlin – genauer: aus Ostberlin. Mein Vater musste dahin, da hat er Arbeit bekommen.

مجری:

اما پدر بزرگ و مادر بزرگش کماکان در گرون‌هایده زندگی می‌کنند.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Jan

Aber meine Großeltern leben noch hier.

مجری:

و از آنجا که یان مرتب به دیدار پدر بزرگ و مادر بزرگش می‌آید، این منطقه را خوب می‌شناسد. اما به علت تماس تلفنی کومپو، سخن یان قطع می‌شود و پس از تلفن کومپو پاولا باید به فیلیپ زنگ بزند و بپرسد که آیا او می‌تواند شروع این مسابقه اتومبیلرانی را ضبط کند.

Paula

Hallo, Philipp. Alles in Ordnung? Kannst du den Start aufnehmen? Ja? Super!
Bis bald, tschüs!

مجری:

متأسفانه ما متوجه نشدیم که پاولا در برابر این گفته یان که او تقاضای کارآموزی در رادیو D کرده، از خود چه واکنشی نشان داده است. و از آن گذشته متوجه نشدیم که آیا برخورد سرد پاولا در لحظه آشنایی با یان، حالا مایه تاسف او شده است یا خیر. بعدها پاسخ این پرسش‌ها را خواهیم یافت. اینک نوبت به پروفیسور ما رسیده است.

Paula

Und nun kommt – unser Professor.

Philipp

Radio D ...

Paula

... Gespräch über Sprache.

پروفیسور:

شما از چیزی سخن گفتید که قرار است ما بعداً، یعنی در آینده از آن مطلع شویم. اما من مایلم در برنامه امروز از گذشته سخن بگویم. هرگاه ما در زبان آلمانی بخواهیم از چیزی صحبت کنیم که در گذشته رخ داده است، از ماضی ساده استفاده می‌کنیم.

مجری:

و یا از ماضی نقلی...

پروفیسور:

خواهش می‌کنم که شنوندگان ما را گیج نکنید. من امروز مایلم پیرامون صرف ماضی ساده افعال کمکی در زبان آلمانی سخن بگویم.

مجری:

از افعال کمکی در ماضی نقلی چندان استفاده‌ای نمی‌شود، و ما از آنها در گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

پروفیسور:

بله، همین طور است که گفتید. اما الان زمان آن رسیده است که مثالی بزنیم. به دو جمله‌ای که با فعل کمکی **MÜSSEN** ساخته شده‌اند، گوش کنید. جمله اول در زمان حال است و جمله دوم در زمان گذشته ساده.

Sprecherin

Sie muss einen Kollegen anrufen.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Sprecher

Sie musste einen Kollegen anrufen.

پروفیسور:

یک بار دیگر به هر دو جمله گوش کنید. از کجا می‌توان جمله ماضی ساده را تشخیص داد؟

Sprecher

muss
musste

مجری:

این اصلاً کار دشواری نیست. علامت مشخصه گذشته ساده پسوند **TE** – است.

پروفیسور:

دقیقاً. این در مورد همه افعال کمکی صدق می‌کند. به چند نمونه در همین رابطه گوش کنید.

Sprecher

Sie wollten doch nach Möllensee?

Jan

Sie wollten doch nach Möllensee? Kommen Sie, fahren Sie mit mir!

Sprecherin

Mein Vater musste dahin.

Jan

Ich bin aus Berlin – genauer: aus Ostberlin. Mein Vater musste dahin, da hat er Arbeit bekommen.

مجری:

و پس از پسوند **te**-. یک پسوند فعلی دیگر هم می‌آید که به آن بعداً خواهیم پرداخت. با سپاس فراوان از شما آقای پروفیسور.

در برنامه بعد، شما شنوندگان گرامی را از نتیجه این مسابقه اتومبیلرانی مطلع می‌کنیم.

Paula

Bis zum nächsten Mal, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp

Und tschüs.

آنچه شنیدید سری دوم آموزش زبان آلمانی رادیو D بود، تهیه شده توسط انستیتو گوته و رادیو دوپچه وله

Herrad Meese

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle